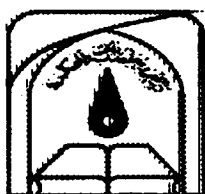


۲۸۹۹۱



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده هنر

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته ادبیات نمایشی

پروژه نظری
بررسی جنبه‌های نمایشی داستان شیخ صنعان عطار نیشابوری

پروژه عملی
نگارش فیلمنامه سینمایی
شب آفتابی

شهاب مجدی

استاد راهنمای پروژه نظری
دکتر سید حبیب‌ا... لزگی

استاد راهنمای پروژه عملی
دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی

استاد مشاور
دکتر غلامحسین غلامحسین زاده

تابستان ۱۳۸۰

۳۰ ۸۴۹۱
014918

کتابخانه اطلاع‌رسانی و آرکایوهای علمی ایران
کتابخانه مرکزی ایران
۱۳۸۰ / ۸ / ۱۱


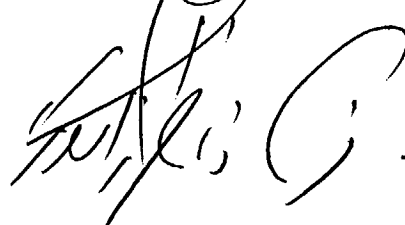
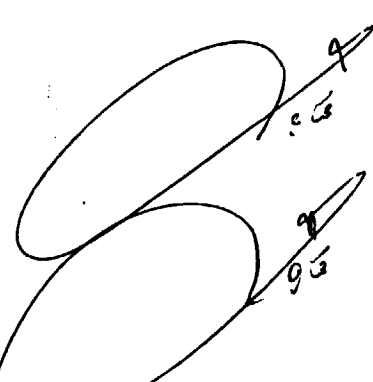
تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیئت داوران نسخه نهایی پایان نامه خطنم/ آقای شهاب مجدی

تحت عنوان: بررسی جنبه‌های نمایشی داستان شیخ صنعان عطار نیشابوری - پروژه عملی: نگارش فیلمنامه «شب آفتابی»

را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می‌کنند.

اعضای هیأت داوران نام و نام خانوادگی رتبه علمی امضاء

دکتر سید حبیب ... لزگی	استادیار		(نظری)	۱- استاد راهنما
دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی	استاد		(عملی)	
دکتر غلامحسین غلامحسین زاده	استادیار			۲- استاد مشاور
دکتر سید مصطفی مختاباد	استادیار			۳- نماینده تحصیلات تکمیلی
دکتر سید مصطفی مختاباد	استادیار			۴- استاد ممتحن
سعید کشن فلاح	مربی			۵- استاد ممتحن



بسمه تعالی

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱ در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲ در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:
«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد / رساله دکتری نگارنده در رشته ادبیات فارسی است که در سال ۸۰ در دانشکده حتم دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم / جناب آقای دکتر انزلی، مشاوره سرکار خانم / جناب آقای دکتر علامه حسن زاده و مشاوره سرکار خانم / جناب آقای دکتر _____ از آن دفاع شده است.»

ماده ۳ به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴ در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵ دانشجوی تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مزاجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶ اینجانب شهب مجری دانشجوی رشته ادبیات فارسی مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: شهب مجری

تاریخ و امضا: ۸۵/۳/۸۰

به همسر

فانوس راهم. آنکه عشق، سربلند از عشق اوست.

و

به پدر و مادرم

یاوران اندیشه‌ام. مهربانان دیروز و همیشه‌ام.

با سپاس بیکران

از اساتید ارجمندم

آقایان:

دکتر سید حبیب... لزگی

دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی

دکتر سیدمصطفی مختاباد

«حکیده پایان نامه»

این رساله برآن است تا با معرفی یکی از شاخص ترین چهره های ادب و عرفان پارسی یعنی شیخ فریدالدین عطار نیشابوری و بررسی برجسته ترین اثر عارفانه وی یعنی منطق الطیر، به کنکاش در این مسئله پردازد که آیا داستان شیخ صنعان - از کتاب منطق الطیر - از جنبه های نمایشی برخوردار است؟

بدنبال یافتن این پاسخ، ابتدا تراژدی از منظر ارسطو تشریح می گردد و خصوصیات آن بر شمرده می شود. آنگاه اجزایی از تراژدی که به نحوه تألیف آن باز می گردند، یعنی؛ افسانه مضمون (طرح)، سیرت اشخاص، اندیشه و گفتار در این داستان بررسی می گردند و هرکدام در قالب پرسشهایی استخراج شده از دل تعاریف ارسطو، مطرح و پاسخ داده می شوند.

در پایان، فرضیه مطرح شده اثبات می گردد و داستان مورد بحث، با وجود اینکه اثری منظوم از ادبیات کهن این مرز و بوم است، بعنوان داستانی با ویژگیهای دراماتیک معرفی می شود.

واژگان کلیدی این پایان نامه عبارتند از:

- جنبه های نمایشی،

- شیخ صنعان،

- عطار نیشابوری.

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
مقدمه	۱
فصل اول : عطار، منطق الطیر و شیخ صنعان	
۱-۱- عطار، نافه مشکبار.....	۶
۱-۱-۱- زندگی عطار در یک نگاه	۶
۱-۱-۲- عطار و آثارش	۱۴
۱-۱-۳- الهی نامه	۱۷
۱-۱-۴- اسرارنامه	۱۸
۱-۱-۵- خسرونامه	۱۹
۱-۱-۶- مصیبت نامه	۲۱
۱-۱-۷- دیوان قصائد و غزلیات	۲۳
۱-۱-۸- مختارنامه (مجموعه رباعیات).....	۲۴
۱-۱-۹- تذکرة الاولیاء	۲۵
۲-۱- منطق الطیر، پرواز تا سیمرغ	۲۶
۱-۲-۱- منطق الطیر در یک نگاه	۲۶
۲-۲-۱- منطق الطیر و ارتباطش با چند اثر دیگر.....	۲۸
۳-۲-۱- ترتیب مطالب منطق الطیر.....	۳۰
۳-۱- شیخ صنعان، پیر بت پرست	۴۲
۱-۳-۱- مأخذ اصلی داستان.....	۴۲
۲-۳-۱- داستان شیخ صنعان عطار.....	۴۴

عنوان..... صفحه

فصل دوم: بررسی جنبه‌های نمایشی داستان شیخ صنعان

۱-۲-۱-۱-۲- ارسطو و تراژدی..... ۴۸

۱-۲-۱-۱-۲- ارسطو..... ۴۸

۲-۱-۲- تراژدی..... ۵۰

۱-۲-۱-۲- افسانه مضمون..... ۵۰

۲-۲-۱-۲- سیرت اشخاص..... ۵۷

۱-۲-۳-۱-۲- اندیشه..... ۵۹

۴-۲-۱-۲- گفتار(زبان)..... ۶۱

۵-۲-۱-۲- منظره نمایش و آواز..... ۶۳

۲-۲- داستان شیخ صنعان و جنبه‌های نمایشی آن..... ۶۴

۱-۲-۲- بررسی افسانه مضمون در داستان شیخ صنعان..... ۶۴

۲-۲-۲- بررسی سیرت اشخاص در داستان شیخ صنعان..... ۷۵

۳-۲-۲- بررسی اندیشه در داستان شیخ صنعان..... ۸۳

۴-۲-۲- بررسی گفتار در داستان شیخ صنعان..... ۸۹

نتیجه‌گیری..... ۹۶

فهرست منابع..... ۱۰۰

پروژه عملی: فیلمنامه «شب آفتابی»..... ۱۰۲

چکیده انگلیسی..... ۱۴۰

مقدمه

این کتاب آرایش است ایام را	خاص را داده نصیب و عام را
گرچو یخ افسرده‌ای دید این کتاب	خوش برون آمد، چو آتش از حجاب
نظم من خاصیتی دارد عجیب	زانکه هر دم بیشتر بخشد نصیب
گر بسی خواندن میسر آیدت	بی‌شکی هر بار خوشتر آیدت
آنچه من بر فرق خلق افشانده‌ام	گر نمانم تا قیامت مانده‌ام
گل فشانی کرده‌ام زین بوستان	یاد داریدم به خیر ای دوستان ^(۱)

"شیخ فریدالدین عطار"، در سال ۵۱۶ و به قولی ۵۴۰ هجری قمری پای به جهان نهاد و به احتمال بسیار در سال ۶۱۸ هجری قمری، دیده از جهان فرو بست. در فاصله این دو تاریخ، هزاران بیت ترانه سرود و لطیفه‌ها و طنزها و نکته‌های بی‌شمار بر کاغذ آورد. احوال و گفتار مردان خدا و عاشقان کبریا را در "تذکره الاولیاء" گرد آورد، و هفت شهر عشق را در "منطق‌الطیر" سیر کرد و سماع عشق را در پرده "غزلیات و رباعیات" و قصاید نواخت. اندوه جهان را در "مصیبت‌نامه" نهاد و در "الهی‌نامه" و

۱- فریدالدین عطار نیشابوری، منطق‌الطیر، مصحح: احمد رنجبر، چاپ دوم، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۹، ص ۵۳۳ - ۵۳۲.

"اسرارنامه" گوشه‌هایی از بازیهای پنهان پشت پرده عالم را بیان کرد.^(۱)

خدای را بسیار شاکر و سپاسگزارم که توفیق بازخوانی مجدد گوشه‌ایی از گنجینه مکتوب ادب و عرفان پارسی را به من ارزانی داشت، تا لختی فارغ از همه آمد و شده‌های بی حاصل زندگی، با فرهنگ غنی سرزمینم تنها نشینم و گوش دل به حکایات و قصه‌های پر مغزش سپارم.

در روزگارانی که سینمای ضد قصه و اساساً هنر بدون قصه، رو به فزونی گزارده، داستان و حکایت بخش اعظمی از دغدغه‌های فکری و دلمشغولی‌های ذهنی مرا به خود اختصاص داده است. چرا که اصولاً انتقال هرگونه پیام و معنایی را از مدار قصه و داستان، جاودانه‌تر و تأثیرگذارتر می‌دانم.

تا پیش از آشنایی ام با ادبیات عرفانی، همواره قصه این مرز و بوم را به صراحت در بیان و انتقال اندیشه ملامت می‌کردم. پایان قصه‌های ایرانی، همواره برایم همان کلاغی بود که هیچگاه به خانه‌اش نمی‌رسید. پایان حکایت، برایم پایان همه چیز بود، گویی انگار از ابتدا چیزی در میان نبوده است.

بعدها که به سراغ "سوفکل" و "اوری پید" و "شکسپیر" رفتم و به اساس و بنیان قصه‌هایی که آنان بر پیکره‌اش نمایشنامه خویش را استوار کردند، اندیشیدم، ناله و فغانم نسبت به ادبیات داستانی آب و خاکم دو صد چندان شد. که چرا بیست و دو سه قرن پیش، آنان می‌توانستند نمایشنامه‌هایی چند لایه با آن در و نمایه‌های عظیم فکری و معنوی بیافرینند و ما هنوز، همچون مبصر کلاس اول، بدها را از خوبها جدا می‌کنیم و به دادن چند پند اخلاقی بسنده می‌نمائیم.

"مولانا" در ابتدا و "عطارد" بعدها، این تصور چندین ساله را در من شکستند، با تعمق در حکایات و تمثیلهای عارفانه این دو، پی به عمق معنا در ادبیات عرفانی این مرز و بوم بردم و دیگر، قصه‌های کهن

۱- حسین نهی قمشه‌ای، گزیده منظر الطیر، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹، بخشهایی از مقدمه.

این سرزمین برایم تک‌بعدی و یک‌لایه نبودند. دانستم که قلم این نوابع، برای هر خواننده‌ایی، پیامی در بردارد. در مقابل این آثار، ظرف هر چقدر بزرگتر، مظروف به همان اندازه، وسیعتر و چشمگیرتر.

در سال ۷۸، به پیشنهاد دوستی، داستان "شیخ صنعان" را خواندم و سخت مجذوب آن شدم. فارغ از معنای عمیق و نابی که عطار به استادی هر چه تمامتر، در بندبند ابیات این داستان منظوم نشانده بود، آنرا اثری با ویژگیهای بالقوه دراماتیک یافتم که با اندکی دخل تصرف می‌شد نمایشنامه و یا فیلمنامه خوبی از آن استخراج کرد. پس رساله‌ام را به این حکایت اختصاص دادم و موفق یا ناموفق به بررسی‌اش پرداختم.

بخش نظری این رساله متشکل از دو فصل است، در فصل نخست، معرفی‌ها را انجام دادم.

اینکه عطار کیست؟ آثارش کدام است؟ منطق الطیر چه می‌گوید؟ اصلش از کجاست؟ داستان شیخ صنعان چیست؟ و ... در فصل دوم هم به منظور در دست داشتن مبنایی برای سنجش جنبه‌های نمایشی یک اثر ادبی، ابتدا به سراغ "ارسطو" رفتم و تراژدی را از منظرش تعریف کردم. آنگاه به برشماری اجزای تراژدی پرداختم و هر یک را تشریح نمودم. در بخش دوم از همین فصل، به سراغ عمده‌ترین مبحث این رساله یعنی بررسی جنبه‌های نمایشی در داستان شیخ صنعان رفتم و آن وجوهی از تراژدی که به نحوه و کیفیت تألیف اثر باز می‌گشت، در داستان مورد نظر جستجو کردم.

در بخش عملی هم، بخاطر توانایی‌های بیشتری که از خود در فیلمنامه سراغ دارم، براساس داستان شیخ صنعان فیلمنامه‌ای نگاشتم. سعی کردم ضمن پای بند بودن به خط اصلی قصه و حفظ جوهره معانی نهفته در آن، داستان را امروزی کنم و آدمهای دور و بر خودمان را جایگزین شیخ و مریدان و دختر ترسا گردانم. این جابجایی آدمها، بطور حتم جابجایی برخی اندیشه‌های قصه را نیز در پی خواهد داشت. انسان امروز، با اتصالش به تکنولوژی و پیشرفتهای لحظه‌ایی، قطعاً نمی‌تواند فراغ خاطر

و آسودگی خیال انسان ده قرن پیش را داشته باشد.

به هر ترتیب از آنجا که نقطه نظرانی نسبت به بشر معاصر داشتیم - همچون هر قلم بدستی دیگر - داستان را از جایی دیگر آغاز کردم و آنچنان که قصه خود می طلبید، پایانی دیگر برایش رقم زدم. امید که مورد پسند واقع گردد.

شهاب مجدی

تیر ماه هشتاد

فصل اول:

عطار، منطق الطير
و شيخ صنعان

۱-۱- عطار، نافه مشکبار

۱-۱-۱- زندگی عطار در یک نگاه

باتفاق آرای اکثر مورخین و تذکره‌نویسان نام او «محمد» است و کینه‌اش «ابوحامد». از القاب او یکی «فرید الدین» است که خود در غزلیات و قصائد و مثنویات خویش، گاه بعنوان «فرید» یاد کرده و دیگری «عطار» است که این از آن روست که چون شیخ دارو فروش بوده و طبابت می‌کرده به عطار شهره گشته است.

نام پدر شیخ بنا بر مشهور، «ابراهیم» و کینه‌اش «ابوبکر» بوده است. چنین بنظر می‌رسد که پدر شیخ مدتی دراز زیسته و ظاهراً تا هنگامی که عطار «اسرارنامه» را بنظم آورده، در قید حیات بوده است. و چون شیخ در موقع نظم «اسرارنامه» لااقل شصت ساله بوده، پس حداقل مدت زندگانی پدرش را می‌توان حدود هشتاد سال فرض نمود، و نظر به آنکه ولادت عطار - چنانکه خواهد آمد - در حدود سال پانصد و چهل واقع شده پس شاید بتوان گفت که پدر او میانه سالهای پانصد و نود و پنج و ششصد رخت از جهان بر بسته است. پدر شیخ نیز به کار عطاری مشغول بوده و گفته‌ها حاکی از آن است که او مردی بیدار دل و دارای نوعی مذاق زاهدانه یا تصوف بوده است.

از تاریخ دقیق تولد شیخ روایات بسیار است اما از روی دلایل و شواهد، گمان نزدیک به یقین این است که شیخ در حدود سال پانصد و چهل دیده به جهان گشوده است و قریب به هشتاد سال زندگانی نموده است.

بنا بر روایتی قدیمی سبب گرایش عطار بتصوف آن بوده است که: